

## تأثیر قومیت‌گرایی بر توسعه سیاسی در ایران

محمود ولی زاده<sup>۱</sup> و رضا پریزاد طاسرانی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار و عضو هیئت‌علمی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

توسعه سیاسی پدیده‌ای است که نمی‌توان تأثیرش را بر حیات اجتماعی و سیاسی جهان امروز، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، انکار کرد. در فرآیند تحقق توسعه‌یافتگی سیاسی عوامل گوناگونی ایفای نقش کنند که در میان آن‌ها، نقش اعضای جامعه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین قومیت به‌عنوان یکی از عامل‌های مهم در این فرآیند شناخته می‌شود. بافت چند قومی و یا چندمذهبی می‌تواند بر فرآیند توسعه سیاسی تأثیر بگذارد. هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی تأثیر قومیت‌گرایی بر توسعه سیاسی در ایران است. روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی و بر اساس منابع معتبر کتابخانه‌ای موجود انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قومیت‌گرایی اساساً مبتنی بر برتری یک گروه قومی، فرهنگی اجتماعی و یا نژادی خاص بر گروه‌های دیگر است. در این بیان، تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر اساس گرایش‌های قومی انجام می‌شود و این خود در تضاد با توسعه سیاسی است؛ زیرا توسعه سیاسی، فرآیند دموکراتیزاسیون مبتنی بر نهادینگی ساختارهای سیاسی برخوردار از جامعه مدنی و چرخه مسالمت‌آمیز قدرت را در برمی‌گیرد، اما دست‌یابی به چنین سطحی از توسعه سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها نیازمند گذار از قومیت‌گرایی است.

کلیدواژه‌ها: قومیت‌گرایی، توسعه سیاسی، جامعه، ایران

## مقدمه

پدیده قومیت‌گرایی اجتماعی - سیاسی عمدتاً در اجتماعات محلی با ساختارهای قومی عمدتاً مشاهده می‌شود که تداوم آن می‌تواند اثرات منفی متعددی مانند بی‌انگیزگی سایر گروه‌های اجتماعی و انحصارطلبی قدرت سیاسی شود (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). امروزه تعاریف متعددی از قوم و قومیت وجود دارد که هر یک از آن‌ها بر عناصر خاصی از این پدیده اجتماعی تأکید دارند (رضازاده و بایندور، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد در این خصوص رساترین تعریف مربوط به ویکتور کوزلوف قوم‌شناس معروف باشد که معتقد است قوم یک سازمان اجتماعی تشکیل یافته‌ای است که بر پهنه سرزمین معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ باهم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و ... برقرار کرده‌اند، دارای زبان، ویژگی‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و سنت‌های مشترک می‌باشند. در گذشته مشخصات خونی و نژادی نیز جزو پیوندهای قومی محسوب می‌شدند اما امروز به دنبال درهم‌آمیختگی ملت‌ها دیگر شاخص‌های عمده قومی به حساب نمی‌آیند (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

پدیده‌ی قوم‌گرایی برای برخی از کشورها، چالش‌های متعددی در برداشته و دولت‌ها در این کشورها در پاره‌ای از مواقع با بحران‌هایی گوناگون مواجه‌اند که وحدت و انسجام داخلی آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد و منجر به کاهش توسعه سیاسی می‌گردد. واقعیت این است که تصور جهانی، فارغ از مسئله‌ی قومیت غیرممکن است؛ چراکه گوناگونی، ویژگی اصلی جوامع انسانی است و همین گوناگونی منجر به تنوع و تکثر هویتی می‌شود (رضاپور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴).

آنچه در ارتباط با مطالعه سیاست‌های قومی بسیار جالب توجه به نظر می‌رسد، این است که گذشته از استثنائات معدود، احیای قومیت به‌عنوان یک نیروی اساسی در اغلب حوزه‌های پژوهشی پیرامون تغییر اجتماعی و توسعه سیاسی نادیده گرفته شده است. والتر کانر (۱۹۷۲) خاطرنشان ساخت که در میان ده نمونه از آثاری که هم‌اکنون در حوزه ادبیات کلاسیک توسعه از آن‌ها (بسیار) یاد می‌شود، هیچ‌یک از آن‌ها یک بخش، یک فصل و دو یا حتی یک زیر عنوان اصلی را به موضوع «قومیت» اختصاص ن داده‌اند در فهرست و نمایه شش اثر از ده مورد مذکور، حتی یک‌بار به گروه‌های قومی، قومیت و یا اقلیت‌ها (ی قومی) اشاره نشده و در چهار اثر بعدی نیز به‌طور گذرا و در بعضی از عبارات تک افتاده و حاشیه‌ای از این موضوع یاد شده است؛ بنابراین درحالی‌که یک مجموعه قوی از حیث نظری و غنی از تجربی مشتمل بر تحقیق درباره ابعاد و پویایی سیاست قومی وجود دارد، اما این حجم از ادبیات هنوز کاملاً مورد توجه بخش عمده حوزه تغییرات اجتماعی مقایسه‌ای و توسعه سیاسی قرار نگرفته است.

قرار گرفتن قومیت در حاشیه نظری علوم اجتماعی معاصر تا حدودی مبتنی بر رقابت پارادایمی بین نوسازی و مکاتب مارکسیسمی توسعه اجتماعی است. هر دو پارادایم هویت قومی را مسئله پیش‌یافتاده و بی‌اهمیتی می‌دانند که مناسب آن با گسترش و نفوذ هر چه بیشتر جامعه صنعتی و مدرن کاهش می‌یابد؛ اما برخلاف انتظار هر دو مکتب ما شاهد تجدید حیات سیاست قومی هستیم آن‌هم درست در زمانی که نفوذ اقتصاد سیاسی جهانی و گسترش فرهنگ مدرن در تمامی زوایای جهان، بخش عمده‌ای از تحلیل‌گران سیاست تطبیقی را واداشته بود تا زوال فوری قومیت، به‌مثابه رابط بین سیاست و ملت را پیش‌بینی کنند. والتر کانر ناکامی این قبیل انتظارات را چنین بیان می‌کند:

«تعداد معتناهایی از دولت‌ها چند قومیتی هستند. آگاهی قومی در سال‌های اخیر قطعاً در حال افزایش - و نه کاهش - بوده است. هیچ طبقه‌بندی از دولت‌های چند قومیتی - دولت‌های اقتداری یا دموکراتیک، فدراتیو یا ساده؛ آسیائی، آفریقائی، آمریکایی و اروپایی - از اثر تجزیه‌کننده قومیت مصون نبود و همه آن‌ها به نحوی بدان مبتلا می‌باشند. شکل حکومت، جغرافیا و سطح توسعه اقتصادی هیچ‌کدام نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص ندارند. ولی به نظر می‌رسد که لوازم توسعه اقتصادی - بسیج اجتماعی و ارتباطات - تنش قومی را افزایش داده و منجر به بروز درخواست و تقاضاهای جدایی‌طلبانه‌ای شده باشد. علی‌رغم تمامی این‌ها، نظریه‌پردازان حوزه ملت‌سازی مشکلات مربوط به قومیت را نادیده گرفته‌اند و یا به آن توجه کافی نکرده‌اند.» (کانر، ۱۹۷۲: ۳۳۲)

ایران جامعه‌ای چند قومی است (محمدزاده و خانی، ۱۳۹۷) که در حدود ۵۰ درصد از شهروندان آن را اقوام غیر فارس تشکیل می‌دهد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۶؛ ماتیل، ۱۳۸۴: ۱۰۰۴؛ حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۱۹؛ محمدزاده، ۱۳۸۰: ۱۳۹۰). اعضای «یک گروه قومی، متشکل از افرادی است که خودشان را از حیث این‌که دارای تبار مشترک (واقعی یا خیالی) هستند، همانند هم می‌بینند و دیگران نیز آن‌ها را چنین در نظر می‌گیرند» (هاموند و آکسلرود، ۲۰۰۶: ۴).

«مسئله قومی در ایران جزو یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید» (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). شواهد تجربی و تاریخی نشان می‌دهد که «شکاف قومی در میان پنج قوم ایرانی (ترک، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب) فعال شده است» (رمضان‌زاده، ۱۹۹۴: ۲۱۹).

یوسف جویباری و همکاران (۱۳۹۱) بیش‌تر به نقش مشارکت اقوام در کشور توجه کرده و بر این باورند که هرچه افراد احساس خودی بودن داشته باشند، بیش‌تر در امور مشارکت می‌کنند و درنهایت ضریب امنیتی آن‌ها کاهش می‌یابد. ترابی و مجیدی (۱۳۹۳) قوم‌گرایی را ناشی از جهل، نادانی، فقر، تبعیض، ضعف مدیران و دخالت استعمارگران دانسته و درنهایت، دولت را در مدیریت شکاف قومی مؤثر دانسته‌اند. امام‌جمعه‌زاده و مهدیان (۱۳۹۳) از نگاه جغرافیای سیاسی به دو شکاف مذهبی و قومی پرداخته و نقش آگاهی را در این مسئله پُررنگ دیده‌اند.

از نظر سیدرمن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، بخش بزرگی از درگیری‌ها بعد از جنگ جهانی دوم به جنگ‌های داخلی مربوط است که با درگیری‌های قومی هم‌ارز است. برخی دیگر از تحقیقات بر رابطه نابرابری قومی و کشمکش‌های داخلی تمرکز کرده‌اند (بیرنیر،<sup>۴</sup> ۲۰۰۹؛ سیدرمن و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۱۱). وگت و زوریچ<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) بسیج قومی را، که ناشی از شکاف اجتماعی است، به ضرر دموکراسی و صلح ارزیابی می‌کنند. وگت (۲۰۱۷) در پژوهش خود در کشورهای پس‌استعماری نشان داده است که شکاف قومی باعث بسیج قومی می‌شود و این مسئله زمینه خشونت در کشورهای قومی را فراهم خواهد کرد.

همچنین در ارتباط با فرآیند جهانی‌شدن و هویت‌های فرهنگی باید گفت، در عصر جهانی‌شدن و به دنبال آن شکل‌گیری جامعه‌ی شبکه‌ای<sup>۷</sup> ما با تحول جدیدی به نام جوامع مجازی قومی<sup>۸</sup> مواجه هستیم. "جوامع مجازی قومی" در نتیجه‌ی تکنولوژی‌های ارتباطی و با توجه به اشتراک در تصورات، علائق و ارزش‌ها در فضای مجازی شکل می‌گیرد (Elkins, 1997). اهمیت موضوع قومیت‌ها برای ایران که دارای تنوع قومیتی بوده و در مجاورت کشورهای دارای مؤلفه‌های قومی - فرهنگی مشابه قرار دارد، در مقایسه با سایر کشورها صدچندان است. در این ارتباط، اتخاذ سیاست‌های مناسب و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی مصونیت بخشد و منجر به توسعه سیاسی گردد (رضاپور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴).

انسجام ملی و همچنین امنیت ملی دو راهکار تقلیل‌پدیده قومیت‌گرایی است در حقیقت انسجام ملی عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن‌ما بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است (غرایاق زندی، ۱۳۸۲: ۱۷۱). همچنین از نخستین کسانی است که سعی کرده از «امنیت ملی» تعریفی ارائه دهد (رضازاده و بایندور، ۱۳۹۶): والتر لپپمن<sup>۹</sup> یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش‌بردد (روشن‌دل، ۱۳۷۴: ۱۱). دانش‌نامه

1. Hammond & Axelrod

2. Ramzanzadeh

3. Cederman, Wimmer & min

4. Birnir

5. Cederman, Weidmann & Gleditsch

6. Vogt & Zurich

7. Network Society

8. Virtual Ethic Communities

9. Lippman Walter

بین‌المللی علوم اجتماعی، امنیت ملی را توان یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی (والتر، ۱۹۴۳)؛ و یا احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و ترس از خطر جدی خارجی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور تعریف کرده است (بهزادی، ۱۳۶۹: ۱۰۱).

بررسی ارتباط میان مقولاتی همچون توسعه و دموکراسی با کنش سیاسی قومی در آثار معدودی قابل اشاره است (عبداللهی ضیاء‌الدینی و مرشدی زاد، ۱۳۹۹). «قومیت و امنیت؛ تأثیر سیاست‌های قومی رژیم پهلوی در پیدایش جنبش‌های قومی دسته‌جمعی در ایران» (امیراحمدی، ۱۳۷۷)؛ «توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه کرد در ایران» (گودرزی، ۱۳۸۰) و «توسعه اقتصادی- اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی» (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲) از جمله مهم‌ترین آثار این سنخ پژوهش‌ها هستند که بیش‌تر مقطعی و موردی بوده و نگاه جامعی ندارند.

در کشورهای جهان سوم و درحال توسعه، نحوه رابطه حامی- پیرو یکی از موانع اصلی گذار به دموکراسی محسوب می‌شود که نمونه بارز آن را می‌توان در نظام‌های صرفاً مبتنی بر قومیت‌گرایی مشاهده کرد؛ زیرا جهت‌گیری‌های سیاسی اقوام و طوایف به کانالیزه‌شدن و تک‌ساختی‌شدن نظام سیاسی منجر می‌شود که در تضاد با روحیه توسعه سیاسی و دموکراسی است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به اهمیت فرهنگ در مشارکت سیاسی، گروه‌بندی‌های فرهنگی از جمله اجتماعات هویتی نظیر قومیت نیز به تبع آن بیان و بدان به‌مثابه عاملی ایدئولوژیک در تبیین مشارکت سیاسی توجه شد (ملشوویچ، ۲۰۰۶: ۱۳). بر این اساس اقوام، یکی از گروه‌بندی‌های فراملی است که در نقش پدیده‌ای اجتماعی مفهوم مشارکت سیاسی را دگرگون کرد و ابعاد آن را معنا بخشید (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲). مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی امری است که امروزه در همه جوامع پذیرفته شده است و روزبه‌روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (عابدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). این اهمیت اصولاً از آنجا ناشی می‌شود که اولاً، مشارکت امری اجتماعی است که به لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویشان منجر می‌شود؛ و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرآیند عملی حیات اجتماعی و حرکت روبه‌جلوی جامعه منجر می‌شود. گفته می‌شود: «مشارکت عمومی مؤلفه بنیادین امر برنامه‌ریزی خوب است. طرح جامع و فراگیر طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم» (Zimmerman 1996: 1).

مسئله قومیت‌گرایی در کشور زمانی که با اهداف و خواسته‌های استعماری بیگانگان همراه شود از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود و تنوع و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهم‌ترین ابزار آن‌ها محسوب می‌شود. با نگاهی به رخدادهای تاریخ معاصر کشور، ردپای نفوذ و مداخله عوامل بیگانه در درگیری‌های قومی مشاهده می‌شود (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳: ۹۵).

### ادبیات پژوهش:

اصولاً تعریف واحد و یکسانی در مورد گروه قومی وجود ندارد. از سوی دیگر، در بسیاری از متون مربوط به مطالعه‌ی قومیت و گروه‌های قومی، تعریف آشکاری از این واژه‌ها ارائه نشده است، گویی نویسندگان این آثار، تصورشان این است که تعریفی جهان‌شمول و قابل‌پذیرش در این مورد وجود دارد. به دیگر سخن، فرض بر آن است که تعاریف موردنظر برای بحث قومیت و گروه‌های قومی در آمریکا، در مورد سایر مناطق جهان نیز صدق می‌کند، اما می‌توان گفت، عملاً امکان ارائه‌ی تعریف واحدی برای این واژه‌ها وجود ندارد. گروه قومی در ابتدا مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیر مسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند، اشاره می‌کرد. پس از مدتی، این واژه، مفهومی نژادی به خود گرفت و مفهوم مذهبی اولیه‌ی خود را از دست داد. بدین ترتیب، برای مدت‌ها، نمونه و مصداق بارز گروه‌های قومی را گروه‌های نژادی گوناگون در نظر می‌گرفتند. در این دوران، مفهوم مذهبی قومیت و گروه‌های قومی به‌تدریج منسوخ شد (رضاپور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴).

1. Walter

از نظر اندرسون،<sup>۱</sup> قومیت محصول "سرمایه‌داری چاپ"<sup>۲</sup> است. ملت‌ها جوامعی تخیلی<sup>۳</sup> هستند که در موقعیت مدرن و به‌ویژه در سرمایه‌داری در خدمت نیازهای روانی و اقتصادی هستند (محمدزاده و خانی، ۱۳۹۷). سازوکار چاپ برای قوم‌گرایی چنین است؛ «افرادی که یکدیگر را نمی‌شناسند قادرند از طریق جهان چاپ و مطبوعات در یک‌زمان و مکان همگن و قابل‌درک که به یک جامعه و نسل تخیلی متعلق است به سر ببرند» (احمدی، ۱۳۷۵: ۱۴۸)؛ بنابراین قوم‌گرایی نوعی تلقی فرهنگی است که بر اساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و بر اساس دیدگاه‌های قالبی درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

مفهوم قومیت در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دنبال شکل‌گیری دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره سابق، در نتیجه کاهش قدرت نظامی اروپای غربی پس از جنگ دوم جهانی ظاهر شد، اما نخستین بار و در سال ۱۹۵۲ توسط الفرز سوری، جمعیت‌شناس فرانسوی مفهوم قومیت و قوم‌گرا در مقابل مفهوم ملیت قرار گرفت. این پدیده اجتماعی سیاسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است و از مشخصه‌هایی همچون نام مشترک، سرزمین و زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، رسوم و آداب و ارزش‌های مشترک، احساس مشترک و... سخن به میان آمده است؛ و تاکنون چندین کتاب و مقاله درباره درگیر شدن گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی، نژادی و... در فعالیت‌های سیاسی نظامی با دولت‌های مرکزی منتشر شده و به چاپ رسیده است؛ و این مسئله بعد از پایان جنگ سرد در کشورهایی همچون روسیه، یوگسلاوی سابق، افغانستان، عراق و تا حدودی ترکیه و کشورمان ایران به وقوع پیوسته است. مسئله قومیت و استفاده ابزاری از آن توسط گروه‌های ناسازگار و قدرت‌های سلطه‌جو و چالش‌های برخاسته از آن به‌عنوان یک جریان ضد امنیتی قابل توجه است (مختارزاده، ۱۳۸۳: ۲۴).

با این وصف، اگرچه تعریف مشخصی از قومیت وجود ندارد که مورد توافق اکثریت جامعه‌شناسان باشد، اما همه‌ی آن‌ها بر این اعتقادند که قومیت دارای مؤلفه‌های «ذهنی»<sup>۴</sup> و «عینی»<sup>۵</sup> است؛ این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علاقه و آگاهی ذهنی از هویت، تعلق منافع مشترک و علایق مشترک و اشتراکات عینی فرهنگی در زبان، پیشینه‌ی تاریخی، دین و سرزمین مشترک چه در حال حاضر و چه در گذشته (رمضان‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۳۴)؛ بنابراین می‌توان گفت برای درک دقیق و بهتر واژه‌ی «قومیت»، در نظر گرفتن مؤلفه‌های عینی و ذهنی، لازم و ضروری است، چراکه از این طریق می‌توان تا حدودی مرزبندی مشخصی برای آن ترسیم کرد و این واژه را از سایر مفاهیم جدا نمود. بنابراین، قومیت‌ها هرگز به‌صورت منفرد نیستند، بلکه در یک نظام قومی وجود دارند و وجود یک قومیت، بیان‌گر وجود سایر آن‌ها است. (رمضان‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۳۵).

شاخص‌های عمده قومی عبارت‌اند از خودآگاهی قومی، زبان مادری و سرزمین نیاکان. در مورد برخی اقوام ویژگی‌های روانی، حالت‌های روحی، شیوه زیستن یا گونه معینی از سازمان اجتماعی-سرزمینی (دولت) یا خواست‌ها و تمایلات آشکار افراد یک قوم برای برپایی یک سازمان دولتی نیز می‌توانند جزو شاخص‌ها باشند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

واژه قوم را باید بیش‌تر مقوله‌ای فرهنگی به شمار آورد قومیت را می‌توان یک ایده دانست، یک ساخت فرهنگی مرتبط با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول که همراه با شرایط متغیر محیطی، مدام در حال دگرگونی است (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

جامعه ایران جامعه‌ای چند قومی است که در آن گروه‌های مختلف قومی، با زبان، دین و آداب‌ورسوم متفاوت، قرن‌هاست که زندگی مسالمت‌آمیزی باهم دارند. تنوع نژادی و فرهنگی کشور ایران پدیده‌ای تاریخی است و در کل، حاصل جنگ‌ها، رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و مهاجرت بوده است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۹۳-۱۹۴).

1 . Anderson 1  
1 . Print Capitalism 2  
1 . Imagines Society 3  
1 . Subjective 4  
1 . Objective 5  
1 . Ethnicity 6

درواقع عملکرد اساسی قومیت، پیوند افراد منفرد و تشکیل گروه است و به این گروه یاد می‌دهد که به کجا تعلق دارند و به چه کسی می‌توانند اعتماد کنند. قومیت بر اساس رفتار، آیین‌ها و ارزش‌های مشترک بنا می‌شود و حدود این اشتراکات، مشخص‌کننده‌ی مرز رفتار متقابل گروه‌های قومی است.

کشمکش‌های قومی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است که ریشه در کمبود منابع و مهم‌تر از آن در توزیع و اختصاص نا عادلانه منابع در بین گروه‌ها (اقلیت‌ها) دارد (عابدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در نتیجه افراد تلاش می‌کنند تا با تشکیل گروه‌هایی به صورت اقوام، قبایل و ملت‌ها برای همکاری در درون گروه و رقابت با برون گروه به این منابع کمیاب دست یابند. اندیشمندان علوم اجتماعی برای بررسی و مطالعه این رقابت و تضاد درون گروه-برون گروه از اصطلاح مرسوم به نام قوم‌گرایی بهره می‌گیرند. این اصطلاح سازه‌ای کاملاً جامعه‌شناختی است که برای توصیف تضاد بین گروه‌ها و تبعیض اعضای درون گروه علیه اعضای سایر فرهنگ‌ها به کار می‌رود. اولین بار اصطلاح قوم‌گرایی را ویلیام سامنر جامعه‌شناس آمریکایی وارد علوم اجتماعی کرد. او در کتاب رفتارهای سنتی توده (۱۹۰۶) قوم‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: «ارزش‌ها و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت درباره دیگران قرار دادن». در این تعریف منظور این است که اقوام فرهنگ خود را برتر از همه فرهنگ‌های دیگر بدانند. از طرفی از این تعریف برای توصیف این دادگاه در تحقیقات علوم اجتماعی استفاده شده که فرهنگ خودی می‌تواند نقش محوری و مرکزی در برابر نقش غیراساسی و کم‌اهمیت دیگر فرهنگ‌ها و سنن مذهبی داشته باشد (Hooghe 2008: 1). جیمز کلاس نیز تعریف تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد. به نظر او قوم‌گرایی عبارت است از: «احساس تعلق یک فرد به یک قوم و برتر دیدن خویش، به‌ویژه زمانی که وی احساس کند حقوقش ضایع شده است و این امر به تلاش وی برای کسب آنچه از دست داده است منجر شود» (Kellas 2004: 3).

امروزه، قوم‌گرایی افراطی، منبع اولیه‌ی درگیری‌های مسلحانه‌ی خشونت‌بار در بخش‌هایی از جهان شده و فرسایش قدرت دولت-ملت‌ها را به دنبال داشته است. به بیان دیگر، ناسیونالیسم قومی در برخی از کشورها، یکپارچگی ملی و شیرازه‌ی جامعه را نشانه گرفته است. بر این اساس، بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی جهان که پیرامون تضادها و بحران‌ها به نظریه‌پردازی و مطالعه پرداخته‌اند، در این بحث اتفاق نظر دارند که در عصر جهانی شدن، تضاد «فرهنگی-قومی» به یکی از منابع اصلی چالش‌ها و تضادها تبدیل شده است. بسیاری از کشورهایی که در گذشته با پشت سر گذاشتن یک فرآیند سخت و پیچیده‌ی «ملت‌سازی» تولد یافته‌اند، اکنون به‌عنوان یک واحد ملی زیر سؤال رفته و امواج قوم‌گرایی و جدایی‌طلبی، آن‌ها را فرا گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت، امروزه موضوع قومیت و مسائل مرتبط با آن به یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم در این حوزه تبدیل شده است (رضا پور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴).

در نهایت بری و کالین<sup>۷</sup> و محقق کانادایی که مطالعات فراوانی درباره قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی «عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون گروه‌ها به‌طور کلی و ترجیح نسبی درون گروه بر برون گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بیزاری عمومی از همه برون گروه‌ها قلمداد می‌کنند.

توسعه سیاسی<sup>۸</sup> مفهومی تازه در فرهنگ سیاسی کشور ما محسوب می‌شود و خاستگاه غربی دارد و واژه‌ای جامعه‌شناختی است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). مکاتب غربی مفهوم توسعه سیاسی و فرآیند آن را به‌عنوان راه‌کاری برای عبور از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته - کشورهای جهان سوم - ارائه کردند (سو، ۱۳۷۸، ص. ۳۰).

همچنین توسعه‌ی سیاسی در رویکردهای مختلف، به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است. هر یک از این تعاریف، شاخص‌ها یا نشانگان متفاوتی را در نظر می‌گیرند. از این مهم‌تر، تعاریف ارائه شده گاه، معرف فرآیندهایی هستند که سازوکار رسیدن به توسعه‌ی سیاسی را مشخص می‌سازند و گاه، تعاریف موجود، اهداف خود توسعه‌ی سیاسی را توصیف می‌کنند؛ بنابراین، روشن

<sup>1</sup> Berry and Kallin

<sup>1</sup> . Political development

است، نمی‌توان تعریفی از پیش معین و ساده از این مفهوم به دست داد. باوجوداین، روشن ساختن ابعاد این مفهوم با توجه به حجم کارهای فراوانی که وجود دارد، دور از دسترس نیست (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹). توسعه سیاسی فرآیندی برای گذار از وضعیت توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی است که از آن تحت عنوان دموکراتیزاسیون<sup>۱</sup> یاد می‌شود (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). طبعاً یکی از شاخص‌های محوری توسعه سیاسی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود است که این امر از طریق رقابت سیاسی سالم و کارآمد به وقوع می‌پیوندد (حجاریان، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۹).

دکتر سریع‌القلم درباره لزوم وجود ثبات سیاسی در دست‌یابی به توسعه می‌نویسد: توسعه به آرامش سیاسی نیازمند است تا افراد و مجموعه‌های انسانی به فکر ابداع و خلاقیت باشند. فراز و نشیب‌های سیاسی و بلاتکلیفی در میدان مشروعیت سیاسی، تحقق توسعه را به تأخیر می‌اندازد و درنهایت، آن را غیرممکن می‌سازد. ناآرامی سیاسی، اطمینان و امید به آینده را که زمینه‌ساز توسعه است، مختل می‌سازد و فضای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری جامعه را آلوده می‌کند و درمجموع به کاهش کارایی و مطلوبیت می‌انجامد (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۹۳).

### روش‌ها:

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و بر اساس مروری بر منابع موجود کتابخانه‌ای شامل کتب و مقالات معتبر صورت پذیرفته است.

### تجزیه، تحلیل و بحث:

به‌طور کلی، نظام قومیت‌گرایی اساساً مبتنی بر مدل‌سازمانی اجتماعی و غیررسمی و همان «جمین شافت»<sup>۲</sup> فردیناند تونیس و نظام سنتی تالکوت پارسونز است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). جمین شافت به‌عنوان الگوی سنتی بر پایه روابط خویشاوندی پایه‌گذاری می‌شود- فرد در واحد اجتماعی به دنیا می‌آید، نه صلاحیت او برای عضویت و نه حس تعلق او مورد سؤال قرار می‌گیرد - و روابط بین اشخاص بر مبنای احساسات و عواطف است (پالمر و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۹۲). در جامعه سنتی پارسونزی روابط اعضا مبتنی بر خویشاوندی، روابط غیررسمی و پدرسالاری استوار است که این ویژگی‌ها را می‌توان در ساختاری به نام نظام قومیت‌گرایی مشاهده کرد. فرهنگ سیاسی قومی مبتنی بر رابطه روابط عاطفی، خاص‌گرایانه، منافع جمعی، نسب‌گرایی و درهم‌نگری است و تصمیم‌گیرنده نهایی نه فرد بلکه رهبر و بزرگ طایفه (متنفذین محلی) است. لذا در چنین جوامع و اجتماعات محلی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحت تأثیر گرایش‌های قومی قرار گرفته و در راستای منافع جمعی برای گروهی محدود می‌باشد که مانعی در رابطه با توسعه سیاسی است (قوام، ۱۳۸۹).

از رویکردهای رایج قدیمی در مورد شکاف‌های قومی که البته با توجه به تحولات ده سال اخیر در عرصه جهانی و شدت‌گیری منازعات قومی و گسترش انواع ناسیونالیست‌های قومی تا حدود زیادی ناکارآمد شده، بحث توسعه‌نیافتگی است مطابق این دیدگاه هویت‌های خاص‌گرایانه (قومی) ویژگی‌های یک جامعه توسعه نیافته است و در جریان توسعه کشور این‌گونه هویت‌ها به‌تدریج جای خود را به هویت‌های عام‌گرایانه (ملی) می‌دهند به‌بیان‌دیگر توسعه ملی ناخواسته به گسترش یک فرهنگ ملی مشترک و به وفاداری‌های ملی به‌جای فرهنگ‌های قومی و وفاداری‌های قومی و منطقه‌ای منجر می‌شود. توسعه‌یافتگی در هر صورت نوعی همبستگی معنادار با رواج یک فرهنگ ملی فراگیر دارد و این نکته را در مورد ایران نیز می‌توان مشاهده کرد. مطالعات توسعه در ابتدا باهدف ادغام ایده‌های سیاسی و اقتصادی پیشرفت در یکدیگر از سوی اندیشمندان مطرح شد؛ اما با تحولات اجتماعی متعدد از آن زمان تاکنون این دسته مطالعات ماهیت چند رشته‌ای یافته‌اند و در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از جمله سیاست، علم اقتصاد و فرهنگ نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند. عوامل و مؤلف‌های زیادی به‌عنوان موانع فرهنگ ایرانی در توسعه سیاسی تأثیرگذار بوده است از جمله: ساختار جامعه قبیله‌ای یا مکانیکی؛ و از دست رفتن فرصت توسعه برای

1 . Democratization 9

2 . Gemeinschaft 0

ایران شده است. از این رو، ایجاد ثبات در عرصه‌های مختلف دولت، از جمله ثبات سیاست‌ها، ثبات در مدیریت، ثبات قوانین و ... ضروری به نظر می‌رسد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹).

در میان محققان علوم اجتماعی، نگرش واحدی نسبت به قومیت و گروه‌های قومی وجود ندارد و همه بر سر ملاک‌های تعیین‌کننده قومیت و گروه‌های قومی توافق ندارند. از نظر برخی محققان، نژاد، ملاک معتبر برای گروه قومی بوده و از نظر دیگران، مذهب یا زبان معیار، قابل اعتنا است. به نظر می‌رسد که تعریف گروه قومی بیش‌تر به سلیقه و نگرش محقق بستگی دارد تا وجود ملاک‌های قابل قبول برای همه. این مشکلات به‌ویژه هنگامی آشکار می‌شود که محققان علوم اجتماعی همین ملاک‌ها و واژه‌های مبهم را در تحلیل جوامع پیچیده‌ای مانند کشورهای خاورمیانه به کار می‌گیرند. در اینجا نیز ویژگی‌های خاصی باعث ایجاد مرزبندی‌های قومی می‌شود؛ به‌طور مثال در کشوری نظیر لبنان، اختلافات مذهبی و تنوع مذاهب، عامل تعیین‌کننده و مرز میان گروه‌های قومی است. در کشورهایی چون افغانستان یا ترکیه، زبان ملاک اصلی عنوان می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۸: ۴۸) در ایران هر دو عامل یعنی زبان و مذهب، نقش عمده‌ای در شناسایی گروه‌های قومی ایفا می‌کنند.

قومیت به‌عنوان یکی از عامل‌های مهم در این فرآیند شناخته می‌شود. بافت چند قومی و یا چندمذهبی می‌تواند بر فرآیند توسعه سیاسی تأثیر بگذارد (رجبلو و حسین پناهی، ۱۳۹۶). کوپر در این زمینه معتقد است، قومیت بنیانی‌ترین مقوله سازمان‌دهی اجتماعی است که بر نوعی عضویت و تعلق استوار است و بر مبنای احساس برخورداری از ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و زبان نهاد شده است (Kouper, 1999: 260). غالب کشورهای جهان ترکیب چند قومی‌ا دارند. در تحقیقی که وارکارنر در سال ۱۹۷۰ انجام داده به این مسئله پرداخته شده است. بررسی‌های وارکارنر نشان داد که فقط در ۱۲ کشور جهان، بافت چند قومی یا اقلیت قومی قابل توجهی وجود ندارد و چهار درصد جمعیت جهان نیز در کشورهایی زندگی می‌کنند که فقط یک گروه قومی دارا هستند (Hagh Panah, 2002). بنابراین می‌توان رابطه بین قومیت، هویت قومی و توسعه‌یافتگی سیاسی را یکی از مهم‌ترین موضوعات در سطح جهانی دانست.

یکی از راه‌های ترسیم نقشه فرهنگ سیاسی یک ملت، توجه به تشریح ساختارهایی است که شهروندان در قبال سه سطح نظام سیاسی (سیستم یا نظام، فرآیند، سیاست‌گذاری) دارند که با توجه به همدلی مسئولان و مردم در ایران و نیز مشروعیت متعاقب با آن استراتژی تولید ارزش‌های سیاسی- فرهنگی باید نمود واقعیت‌های کنونی جامعه ایرانی را دارا باشد، از این رو علاوه بر استفاده از گفت‌وگوی دوجانبه میان دولت و مردم که از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی است. با بازشناسی عوام عدم شکل‌گیری سنت و فرهنگ سیاسی سالم در ایران در طول تاریخ سیاسی این سرزمین زمینه را برای تحولات مثبت در عرصه فرهنگ-سیاسی را فراهم آورده و قانون‌مندی‌های فرهنگی- سیاسی را در تمام عرصه‌های موجود را با توجه به فلسفه بنیادین اجتماعی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از طریق جامعه‌پذیری سیاسی (خواه به شک مستقیم و خواه غیرمستقیم) بگسترانیم، به‌طوری‌که شرایط مناسب شکل‌گیری فرهنگ سیاسی سالم فراهم آید. (مطهری، ۱۳۹۳).

همچنین یکی از مؤلفه‌های توسعه سیاسی امنیت ملی است که با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی، نظام مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد (رضازاده و بایندور، ۱۳۹۶). ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه آورده است و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چند پارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرآیند ملت‌سازی در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است. (فکوهی، ۱۳۸۰: ۱۷)

بنابراین، شکل‌گیری و ساخت فرآیندی به نام توسعه سیاسی، مستلزم تغییرات اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیمات کار، قشربندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دست‌خوش تحول واقع می‌شود که در تکوین آن، عامل سیاسی و

2. Multi-ethnic



اجتماعی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات و گرایش آن‌ها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این بنیاد می‌توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی (منتجه) دارد و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود را دارد (احمدی‌پور، صادقی و تیموری، ۱۳۹۴). به‌طور کلی شاخص‌ها و مصادیقی که برای توسعه سیاسی می‌توان مطرح کرد عبارت‌اند از: پلورالیسم، استقلال قوای سه‌گانه، برگزاری انتخابات آزاد در سطوح مختلف با فقدان محدودیت‌ها و موانع در رفتار انتخاباتی، توزیع قدرت میان نخبگان سیاسی، تخصصی شدن امور، وجود ساختارهای رسمی غیر حکومتی نظیر NGO، پیش‌بینی پذیر بودن، اعتماد و مشروعیت دولت. بر اساس مؤلفه‌های مذکور توسعه سیاسی و قومیت‌گرایی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند و می‌توان گفت گرایش‌های قومی منجر به از بین رفتن شاخص‌های توسعه سیاسی و شایسته‌سالاری می‌شود (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵).

بنابراین قومیت‌گرایی یکی از چالش‌های اساسی توسعه سیاسی است و باید راهکارهایی برای حل این معضل اندیشیده شود. یکی از روش‌های تقلیل پدیده قومیت‌گرایی، تکثیرگرایی است که خود منجر به توسعه سیاسی می‌گردد، البته موضوعی که در چارچوب تکثیرگرایی باید به آن توجه کرد، موضوع مشارکت سیاسی است. وجود و یا عدم وجود مشارکت سیاسی آحاد جامعه می‌تواند نقشی اساسی در تخفیف و یا تشدید قوم‌گرایی و سیاسی شدن اختلافات قومی و مذهبی ایفا نماید (رضاپور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴). مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای نظام‌های سیاسی معاصر و بر همین اساس مهم‌ترین مفهوم جامعه‌شناسی سیاسی است. بسته به زمینه بحث، تلقی‌های متفاوتی از مشارکت سیاسی به دست می‌آید (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲).

گروهی از اندیشمندان، مشارکت سیاسی را «مخصوص انتخاب رهبران سیاسی» (آبرکرامی، ۱۳۶۷) دانسته‌اند. عده‌ای با برداشتی گسترده‌تر، «درگیری فرد در فراگردهای سیاسی در سطوح مختلف از بی‌تفاوتی سیاسی، گفت‌وگوی سیاسی، شرکت در نشست‌های سیاسی تا رأی دادن و پذیرش مقام در یک حزب و تلاش برای کسب قدرت» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳) را از گونه‌های مشارکت سیاسی دانسته‌اند.

در فرآیند توسعه سیاسی، مشارکت آحاد جامعه در نظر است و فارغ از هرگونه تعلق قومی شهروندان و قومیت‌گرایی، امکان اثرگذاری آن‌ها در همه شئون اجتماعی با توجه به صلاحیت تخصصی‌شان فراهم است. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملان انسانی توسعه باشد. توسعه سیاسی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی شرکت‌کنندگان اصلی در فرآیند توسعه خواهند بود (UNDP 2011). توسعه احزاب و نهادهای مدنی یکی از زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت مردم و همراهی آن‌ها با جامعه است و خلأ این نهادها موجب ناآگاهی و بی‌اعتنایی بیش‌تر مردم به جامعه و سرنوشت خود می‌شود (عابدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به تنوع گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی در ایران، گسترش مشارکت سیاسی و گردش قدرت در بین نخبگان، یک مسئله‌ی حیاتی برای پویایی جامعه و دولت جمهوری اسلامی ایران و توسعه سیاسی به حساب می‌آید. عدم گردش قدرت در میان نخبگان و به حاشیه رانده شدن عده‌ای از آن‌ها، موجب ایجاد نوعی حس بیگانگی با نظام می‌شود و وحدت ملی را به مخاطره می‌افکند. در این رابطه، «تدرابرت‌گر»<sup>۲</sup> معتقد است: کسانی که آرزومند نیل به جایگاه نخبگان هستند، تمایل زیادی برای کسب قدرت سیاسی دارند و اگر مانعی بر سر راه دسترسی آن‌ها بدین جایگاه، یعنی اقتدار سیاسی مرکزی ایجاد شود، خشمگین می‌شوند و شورش می‌کنند. وی هم‌چنین معتقد است: فقدان چرخش نخبگان، بسیاری از آن‌ها را در استفاده از استعدادهای خود یا کسب پادشاهی مناسب درازای آن، بازمی‌دارد و اگر آن‌ها روزنه‌ی دیگری برای استعدادهای خود نیابند، همیشه دست به شورش می‌زنند (گر، ۱۳۷۷: ۲۱۷).

رعایت این امر به‌ویژه در مورد آن دسته از گروه‌های قومی و مذهبی که حضور کم‌رنگ‌تری در ساختار قدرت و تشکیلات گوناگون دولت و نهادهای وابسته به آن دارند، یک ضرورت ملی در راستای توسعه سیاسی محسوب می‌شود. تنوع مذهبی و

<sup>2</sup> . Robert Garr, Ted

قومی جامعه‌ی ایران، حکم می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران توجه وافری به خواسته‌های اقوام مختلف ایرانی نماید. با مشارکت سیاسی و حضور اقشار گوناگون جامعه‌ی ایرانی، کشور، توان مقابله با چالش‌های گوناگون دنیای پیچیده و جهانی شده کنونی را خواهد داشت.

گروه‌های قومی، محصول تحولات فرهنگی- تاریخی ریشه‌داری هستند که سایر پدیده‌ها را نیز به رنگ خود درمی‌آورند؛ یعنی مسائل را در سایه تلقی قومی و پندار خود از جایگاهشان در جریان اصلی تفسیر می‌کنند. از این رو صرف توسعه اقتصادی- اجتماعی، به‌مثابه تنها متغیر مؤثر بر مشارکت سیاسی اقوام در نظر گرفته شود. از این دیدگاه، عناصر مربوط به توسعه نیز در سایه ذهنیت قومی تفسیر شده و ویژگی قومی به خود می‌گیرند. فریدمن (۲۰۰۰) از جمله اندیشمندانی است که در به‌کارگیری نظریه تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی بر مشارکت سیاسی اقلیت‌های قومی برخی کشورها، اثر سایر شاخص‌های قومی را در تفسیر وضعیت اقتصادی- اجتماعی در نظر گرفته است. در مقام فرضی جسورانه می‌توان ادعا کرد این ارتباط درباره وضعیت اقوام و مشارکت سیاسی آنان نیز تعمیم‌پذیر است (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲).

در عصر جدید، اعمال سیاست همانندسازی فرهنگی در جوامع چند قومیتی، علاوه بر واکنش هویت‌های متمایز در فضای عینی، باعث شکل‌گیری جامعه‌ی قومی در فضای مجازی نیز می‌شود و عدم توجه به مسائل گروه‌های قومی در حوزه‌های مختلف می‌تواند واکنش آن‌ها را در فضای مجازی با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی تشدید نماید. باید به این موضوع توجه داشت که مفهوم مجازی را نباید به‌مثابه یک جامعه‌ی تقریبی و غیر کامل دانست، بلکه گروه‌های قومی در فضای مجازی می‌توانند گروه‌های فعالی را تشکیل دهند و در شرایط خاص، به‌صورت گروه‌های فشار عمل کرده و اهداف خود را به‌پیش برند و توسعه سیاسی را عقب بیندازند. با توجه به این‌که چالش‌های ناشی از فعالیت گروه‌های مختلف اجتماعی در فضای مجازی در حال حاضر کم‌تر از چالش‌های فضای واقعی نیست، بنابراین عدم توجه به چالش‌های شکل‌گرفته در حوزه‌ی مزبور به‌ویژه در ارتباط با موضوع قومیت‌ها، می‌تواند به تهدیدات جدی در حوزه‌ی واقعی و عینی تبدیل شود (رضاپور قوشچی و نادری، ۱۳۹۴). همچنین تأکید بر همبستگی ملی در راستای تقلیل پدیده قومیت‌گرایی یکی از مهم‌ترین راهکارهای موجود می‌باشد. تفاوت میان فرهنگ‌ها به مؤلفه‌هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات، آداب‌ورسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد برمی‌گردد (رضازاده و باین‌دور، ۱۳۹۶). مؤلفه‌هایی که به خاطر پیوند نزدیکشان با یکدیگر، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند که همانا هویت و روح کلی کشورهاست (جلایی‌پور، ۱۳۷۵: ۵۱۱). هویت ملی همان حالتی است که میان مردم در سراسر کشور همبستگی ایجاد می‌کند که برابر آن، از سایر هویت‌ها جدا می‌گردد. برای تقویت هویت ملی باید اراده باهم زیستن بین اقوام گوناگون یک سرزمین تقویت شود (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۰۲). حس همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بر دارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به وجود می‌آید بدون آن‌که آن‌ها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (به‌فروز، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

انسجام ملی که در تضاد با قومیت‌گرایی است نیز یکی از مهم‌ترین لوازم تداوم حیات دولت‌های کنونی است. تصور دولتی که در آن همبستگی ملی برقرار نباشد، تقریباً امکان‌پذیر نیست. ایجاد انسجام ملی از چنان اهمیتی برخوردار است که دولت‌ها برای نیل به آن، تمامی تدابیر و روش‌ها را به کار می‌برند و گاهی به اعمال خشونت نیز متوسل می‌شوند. ایجاد انسجام ملی در کشورهایی که دارای تنوع قومی هستند، اهمیتی مضاعف دارد و موجب توسعه سیاسی می‌گردد. چنانچه پیداست، تنوع قومی ناظر بر وضعیتی است که گروه‌های قومی مختلف با هویت خاص خود که ریشه در تجربیات، منافع، خودآگاهی‌ها و تبار مشترکشان دارد، در درون یک اجتماع بزرگ‌تر قرار گیرند. بر این مبنا، تنوع قومی به‌مثابه اجتماعی مرکب از اقوام مختلف با هویت‌های مختلف است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۳۹). متغیر انسجام اجتماعی، سیاسی از جمله در گروه‌های قومی از نظر امنیت ملی حائز اهمیت است؛ و اگر درجه هویت‌سازی ملی منسجم و حضور یا فقدان هویت‌های رقیب خرده ملی را از شاخص‌های قوت و ضعف یک کشور محسوب کنیم، کشورها را می‌توان به دو دسته قوی و ضعیف تقسیم کرد. کشورهای قوی از انسجام اجتماعی، سیاسی قابل توجهی برخوردار هستند و از فرآیند ملت‌سازی با موفقیت عبور کرده‌اند؛ اما کشورهای ضعیف در فرآیند ملت‌سازی با ناکامی مواجه‌اند.

در ایران حتی به‌رغم تلاش‌های حکومت‌های مرکزی، برای ایجاد یک ملت ایرانی یگانه، خود فرآیند نوسازی نیز تا حدودی زمینه‌ساز شکل‌گیری عناصر یک هویت ملی یکپارچه بوده است و وجود این مؤلفه‌های هویتی را در فرهنگ همه ایرانیان حتی در فرهنگ‌های قومی امروزی نمی‌توان انکار کرد. رویکرد مذکور را اگر در پرتو تجربه جهانی در نظر بگیریم، به‌طور جدی دارای محدودیت است. این‌گونه هویت‌ها در بسیاری از کشورها و مناطق جهان به‌صورت انواع ناسیونالیسم‌های قومی، بنیادگرایی و... حتی در کشورهایی که از میزان مناسبی از توسعه برخوردار شده‌اند، سر برآورده‌اند. در موارد زیادی همین هویت‌های خاص‌گرایانه که قرار بود به‌تدریج محور توسعه شوند، زمینه‌ساز تجزیه بسیاری از کشورها و تشکیل کشورهای مستقل جدید شده‌اند (رضازاده و بایندور، ۱۳۹۶).

بعد از تمرکز قدرت در ایران، عده‌ای برخوردار و عده‌ای نیمه برخوردار یا محروم شدند. گروه‌های قومی اغلب از نتایج تقسیم ثروت و قدرت و منزلت ناراضی شدند. ریشه ناراضی‌ها از آن تاریخ شروع شده و تاکنون به عمق آن افزوده شده است. ایران یکی از کشورهایی است که در برنامه‌ریزی سابقه‌ای طولانی به عمر هفت دهه دارد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پنج برنامه، شامل دو برنامه هفت‌ساله و سه برنامه پنج‌ساله، اجرا شد. بعد از پیروزی انقلاب نیز سه برنامه پنج‌ساله اجرا شد و برنامه چهارم هم در حال اجراست. که سهم مناطق قومی در این برنامه‌ها بسیار کم و ناچیز بود. منظور از نابرابری فرهنگی، توجه به متغیرهای دینی و زبانی است و منظور از نابرابری سیاسی، نابرابری در فرصت‌ها، نابرابری اداری، آموزشی، گزینشی و سیر و گردش نخبگان در سمت‌های حساس و رده‌بالای قدرت است (محمدزاده و خانی، ۱۳۹۷).

در کشور نوعی تجدید امرانه اجرا شده است که ملاحظات فرهنگی و زبانی اقوام را در نظر نگرفته است. در برنامه‌ریزی‌ها، بعضی از مناطق، که غالباً قومی هستند، توسعه‌نیافته و نا برخوردار باقی‌مانده‌اند. در این میان، بین اقوامی که از نظر قومی خود را متفاوت دیده و در بُعد سیاسی و اقتصادی احساس محرومیت کرده‌اند، شکاف قومی فعال شده است. «وقتی گروه‌ها احساس کنند لیاقت موقعیت یا منافی را دارند که در دنیای خارج از آن‌ها دریغ شده است، یا هنگامی که تداوم بهره آن‌ها از این موقعیت یا منافع تهدید شود، برای به دست آوردن آنچه حق خود می‌دانند آماده به‌کارگیری خشونت می‌شوند» (کوردل و ولف، ۱۳۹۳: ۳۷). از دگر سو، اقوامی که از نظر فرهنگی خود را متفاوت تعریف نکرده یا از توزیع قدرت و اقتصاد سهم مقبولی دریافت کرده‌اند، از شکاف قومی مصون خواهند بود (محمدزاده و خانی، ۱۳۹۷).

هر چه یک دولت-ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و در مقابل، دولت، ملت نامنسجم، زمینه بالقوه مناسبی برای رفتارها و رخدادهای ضد امنیتی محسوب می‌شود. لذا در جوامع ضعیف و پاره و پاره، احتمال واگرایی و مرکزگرایی گروه‌های فراملی قابل‌ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می‌شود (رضازاده و بایندور، ۱۳۹۶).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

یافته‌های پژوهش گویای این است که رابطه معناداری میان متغیر قومیت‌گرایی و توسعه سیاسی وجود دارد، به‌طوری‌که قومیت‌گرایی یکی از عوامل بنیادین در توسعه‌نیافتگی سیاسی به شمار می‌رود. می‌توان گفت هدف اساسی هر دولت به‌عنوان سازمان‌بخشی از زمین و مردم، کنار هم آوردن نواحی مختلف سرزمینی و مردم مناطق مختلف گستره دولت تحت نظام سازمان‌دهی شده واحد است. در همه این موارد تلاش در جهت کنترل کامل و انحصاری بر روابط سیاسی داخلی یا به عبارت ساده‌تر ایجاد و حفظ قانون و نظام می‌باشد. در این شرایط نهادهای سیاسی محلی باید با مفاهیم و نهادهای مرکزی سازگاری یابند البته در سازمان سیاسی دولت در بسیاری از ابعاد اجتماعی متنوع (ساختار طبقاتی، نهاد خانواده، مذهب و تحصیلات) در مناطق مختلف با تساهل برخورد می‌شود. حکومت‌ها برآند وفاداری عالی مردم مناطق مختلف را جایگزین وفاداری و علائق محلی، استانی و دولت‌های خارجی نمایند و به‌نوعی از قومیت‌گرایی جلوگیری نمایند تا موجبات توسعه سیاسی را در کشور خود فراهم نمایند.

ایران کشوری چند قومیتی است و در این میان آنچه اهمیت دارد میزان سهم بری از قدرت و بهره‌گیری متفاوت اقوام گوناگون از منابع مختلف اقتصادی، سیاسی و ... است که باعث می‌شود احساس هویت و تعلق خاطر آن‌ها به هویت‌های جمعی مانند

احساس تعلق به ایران و ملیت ایرانی متفاوت شود؛ فرآیند درگیر شدن همه گروه‌های مردمی و یا قومیت‌های یک جامعه در همه مراحل توسعه در این بهبود، ظهور توانایی‌ها و قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی مؤثر واقع خواهد بود. به همان اندازه که مشروعیت سیاسی و مشارکت قومیت‌ها کم‌رنگ‌تر باشد ثبات سیاسی یک نظام خدشه می‌بیند هرچه شکاف قومی و در نتیجه قومیت‌گرایی در جامعه متراکم‌تر باشد، احتمال خشونت و آسیب ناشی از آن بیش‌تر و در نتیجه توسعه سیاسی کمتر است. یکی از راهبردهای اساسی، کاهش احساس نابرابرهای مختلف در میان اقوام است که در ابعاد مختلف قابل‌پیگیری است. برای مثال، با آزاد کردن نخبگان قومی در سطوح مختلف مدیریتی، با قید شایستگی، مشارکت اقوام در تصمیم‌گیری‌های کلان و دادن فرصت برابر برای آموزش و گزینش و استخدام افراد قومی می‌تواند باعث کاهش قومیت‌گرایی و افزایش توسعه سیاسی شود.

توجه به واقعیت تکثر و تنوع قومیتی در ایران، به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن که امکان تعامل و ارتباط گروه‌های قومی با یکدیگر را از طریق شبکه‌های مجازی و ارتباطی نوین به راحتی فراهم ساخته و احتمال شکل‌گیری هویت‌های مقاومت در حوزه‌ی اقوام و اقلیت‌ها و بروز چالش‌های جدی را برای کشور افزایش می‌دهد، بیش از گذشته ضرورت دارد.

اتخاذ رویکردهای اجتماعی و فرهنگی در باب مسائل مرتبط با قومیت‌ها و اقلیت‌ها که از جنس مسائل اجتماعی و فرهنگی‌اند، در راستای توسعه سیاسی بسیار راهگشاست. باید توجه نمود که چنانچه در حوزه‌ی اقوام و اقلیت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های اصولی و متناسب با تکثر و تنوع قومی و مذهبی ایران لحاظ گردد، این تکثر و تنوع نه تنها تهدیدی برای کشور نیست، بلکه می‌تواند فرصت‌سازی‌های مناسبی برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، پایدار و فراگیر ایران را به دنبال داشته باشد. بنابراین در راستای هم‌گرایی و انسجام ملی و جلوگیری از قومیت‌گرایی و در نتیجه توسعه سیاسی کشور می‌توان از مواردی همچون توسعه نهادهای مدنی به‌منظور گسترش مشارکت همه‌جانبه گروه‌های قومی، بهره‌گیری از فکر، توانمندی و خلاقیت‌های نخبگان قومی در اداره سرزمین، شناساندن و تبیین عوامل پایدار و فراگیری که منافع ملی را تهدید می‌کنند، اعم از تهدیدهای نظامی مرزها، تهدید امنیت عمومی و... شناساندن هویت ملی فراگیر و تبیین عناصر برجسته آن و انجام اقداماتی برای این‌که درک عمومی از این هویت ایجاد شود و همه گروه‌های ملی به‌سوی آن جذب شوند و حس وابستگی نسبت به آن در همه آحاد ملت پدید آید، تأسیس و گسترش فعالیت تشکلی‌ها و احزاب سیاسی ملی، سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی غیردولتی در سطح ملی و تقویت آن‌ها برای توسعه سیاسی در اقصی نقاط کشور، تشویق و ترغیب اقوام به ارتباطات اجتماعی بین خود، به‌منظور کاهش تصورات قالب، پیش‌داوری و فاصله‌نگری قومی، توزیع عادلانه ثروت عمومی و بهره‌مندی برابر همه مناطق از منافع و مواهب کشور، ترویج رویکرد فرصت محور به تنوع قومی در کشور و تأکید بر عدالت در استفاده از منابع و برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که تمام اقوام ایران در تمام نقاط کشورمان این احساس را داشته باشند که می‌توانند مانند دیگر اقوام از تمام امکانات کشور استفاده کنند و در قبال انجام وظایفی که جامعه برای او تعیین کرده است متقابلاً از حقوق شهروندی برابر نیز بهره‌مند گردند، تقویت میهن‌پرستی و میهن‌دوستی و اولویت‌عاملی به نام ایران و ایرانیت در برابر هرگونه قلمرو خواهی و تمامیت‌خواهی، جلوگیری از بسط محرومیت در پست‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... ارائه طرح مفهوم شهروندی به‌جای ما- دیگری- قومیت و خشکاندن فضای ذهنی محرومیت و محرومیت‌زدایی نام ببریم.

#### منابع:

آبرکرامی، ن و همکاران (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه پویان، تهران: چاپخش  
ابوطالبی، علی، (۱۳۷۹) حقوق اقلیت‌ها و هم‌گرایی، برگردان علی کریمی، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳ زمستان و بهار ۱۳۷۸-۱۳۷۹.

ابوطالبی، علی، (۱۳۸۷) دیدگاه‌هایی چند درباره یکپارچگی و وحدت ملی، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، سال اول.  
احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.  
احمدی‌پور، ز، صادقی، و؛ و تیموری، ح. ر. (۱۳۹۴). تبیین رابطه تمرکزگرایی و توسعه سیاسی در ایران معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی. فصل‌نامه رهیافت انقلاب اسلامی، (۳۰)، ۹۸-۸۱.

- امام‌جمعه‌زاده و حسین مهدیان (۱۳۹۳) «شکاف‌های قومی - مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران»، فصل‌نامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴: ۲۹۷-۳۱۶.
- ایوبی حجت‌الله، (۱۳۷۷) «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، تهران، فصل‌نامه مطالعات راهبردی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۷۶) تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.
- به‌فروز، فاطمه، (۱۳۷۴) زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، چاپ اول انتشارات دانشگاه تهران.
- پالمر، م.، بری، ا. و گایل، چ. (۱۳۹۱). نگرشی جدید به علم سیاست. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: وزارت امور خارجه.
- ترابی، یوسف و یوسفعلی مجیدی (۱۳۹۳) «بررسی چگونگی شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره سوم، شماره ۱۱: ۹-۲۹.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۷۵) مباحث پایه، هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیتها، مجله سیاست خارجی. حجاریان، ا. (۱۳۷۹). تاوان اصلاحات. تهران: ذکر.
- حمید بهزادی، حمید، (۱۳۶۹). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رجبلو، قنبرعلی، حسین پناهی، حلیمه. (۱۳۹۶). هویت قومی و توسعه‌یافتگی سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۱۱(۱)، ۲۵-۴۶
- رضاپور قوشچی، محمد، نادری، محمود. (۱۳۹۴). جهانی شدن و تکثر گرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۵(۱۷)، ۵۵-۹۱
- رضازاده، اکبر؛ بایندور، ولی‌اله. (۱۳۹۶). قومیتها و تأثیر آن‌ها بر امنیت ملی فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی لرستان، ۱۶۶-۱۴۲، (۳)۵
- روشن‌دل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی.
- سجاسی قیداری، حمدالله و پورطاهری، مهدی و صادقی، وحید و حسینی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۵)، تحلیل رابطه طایفه گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای ۱۱(۱)، ۱۹-۴۶
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۵). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.
- شیخاوندی، داور، (۱۳۶۹) زایش خیزش ملت، چاپ نخست، انتشارات ققنوس.
- صالحی امیری، رضا، (۱۳۸۵) مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- عابدی‌زاده، عابدین، موسوی، سیدیعقوب، محدثی گیلوآئی، حسن، کفاشی، مجید. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر قوم‌گرایی بر توسعه ی مدنی (مورد مطالعه: استان بوشهر). جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۱(۴)، ۱۳۳-۱۶۴
- عبداللهی ضیاءالدینی، مهدی؛ مرشدی زاد، علی (۱۳۹۹). دیالکتیک دموکراسی و توسعه و نسبت آن با کنش سیاسی قومیتها در ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹(۳۵)، ۱۶۵-۱۹۸
- عصاریان نژاد، حسین، (۱۳۸۳). امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، ۴۹- ماه‌نامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۴۸.
- غرایاق زندی، داوود، (۱۳۸۲). احزاب و قوم‌گرایی، فصل‌نامه راهبرد، شماره ۲۹، سال هشتم.
- فرهادی، محمد، کاظمی، علی. (۱۳۹۲). توسعه اقتصادی- اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران ۲(۴)، ۵۷۱-۵۹۷
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵) «فرهنگ ملی، فرهنگ‌های قومی - جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی»، جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱: ۱۲۶-۱۴۸.
- فکوهی ناصر، (۱۳۸۰) قوم‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
- قوام، ع. ع. (۱۳۸۹). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران: سمت.

- کوردل، کارل و استفان ولف (۱۳۹۳) منازعات قومی، ترجمه عبدالله رمضانزاده، تهران: فرهنگ‌شناسی / میزان.
- گر، تدرایت. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه علی مرشدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رمضانزاده، عبدالله. (۱۳۷۶). "توسعه و چالش‌های قومی"، توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم.
- گودرزی، حسین، (۱۳۸۰)، «توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه کرد در ایران»، فصل‌نامه مطالعات ملی، پاییز، شماره ۹.
- ماتیل، الکساندر (۱۳۸۴) دایره‌المعارف ناسیونالیسم: مفاهیم اساسی، جلد اول، ترجمه محبوبه مهاجر و کامران فانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محمدزاده، حسین (۱۳۸۰) تأثیر سانترالیسم بر فعال‌شدن شکاف قومی در میان اکراد ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدزاده، حسین (۱۳۹۰) عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدزاده، حسین، خانی، سعید. (۱۳۹۷). زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۳) (اولین ویژه‌نامه کردستان)، ۱۴۷-۱۲۵.
- محمودی، محمدجواد (۱۳۸۸) «محاسبه شاخص توسعه انسانی کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن»، جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸: ۸۱-۱۱۸.
- مختارزاده، (۱۳۸۳) قومیت در ایران، تهران، نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی، تیرماه، شماره ۱۳۸۳، ۷.
- مطهری، مصطفی (۱۳۹۳). «فرهنگ سیاسی و ماهیت فرهنگ سیاسی ایران»، قابل دست‌یابی در آدرس اینترنتی زیر:  
<https://basirat.ir/fa/news/266304>
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: تمدن ایرانی.
- موسوی، سید محمدرضا، ابطحی، سید مصطفی، مطلبی، مسعود، بیات، بهرام. (۱۳۹۹). موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تأکید بر هویت سیاسی و فرهنگی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی ۱۶(۵۰)، ۳۸-۲۱
- یوسف جویباری، محمد، یاسر صیدی مرادی و علی‌رضا فتاحی (۱۳۹۱) «نابرابری قومیتی و امنیت ملی»، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره پنجم، شماره ۱۵: ۱۲۱-۱۳۷.
- یوسفی، علی و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸)، «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانش‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۱.
- Barr-Anderson, D. J. et al. (2017), "The Modifying Effects of Race/ Ethnicity and Socioeconomic Status on the Change in Physical Activity from Elementary to Middle School", *Journal of Adolescent Health*, vol. 61, no. 5.
- UNDP (2011), Human Development REPORT Office
- Malesevic, Sinisa (2006), *Identity as Ideology: Understanding Ethnicity and Nationalism*, London: Palgrave.
- Walter lippman, us Foreign Policy: Shield of Republic, 1943.
- Elkins, Davidj. (1997). Globalization, Telecommunication and Virtual ethnic communities. *International Political Science review*. vol. 18. No. 18
- Birnir, Jóhanna K. (2009) *Ethnicity and Electoral Politics*, New York, Cambridge University Press, 1st edition.
- Cederman, Lars-Erik, Wimmer, Andreas and Brian Min (2010) "Why do Ethnic Groups Rebel? New Data and Analysis", *World Politics*, Volume 62, Issue 1, pp. 87-119.
- Hammond, Ross. A. and Robert Axelrod (2006) "The Evolution of Ethnocentrism", *Journal of Conflict Resolution*, Volume 50, Issue 6, pp. 926-936.
- Remezanzadeh, Abdollah (1994) *Ethnic Conflict in Iran: A Comparative Study*, Department Political Western Schappam, K.U Leuven Ph.D Theiss.

Vogt, Manuel (2017) "Ethnic Stratification and the Equilibrium of Inequality: Ethnic Conflict in Post-colonial States", International Organization, Volume 72, Issue 1, pp. 105-137.

Vogt, Manuel and ETH Zurich (2014) Ethnic Mobilization, Equality, and Conflict in Multi-ethnic States, Working Paper, Number 76, National Center of Competence in Research (NCCR), Challenges to Democracy in the 21st Century, in [http://www.nccr-democracy.uzh.ch/publications/workingpaper/pdf/wp\\_76.pdf](http://www.nccr-democracy.uzh.ch/publications/workingpaper/pdf/wp_76.pdf).

Haghpanah, Jaafar (2002) "The process of elaboration of ethnic policy in the Islamic Republic of Iran", Research Report, Research Institute of Strategic Studies.

Kupper, Adam and Jessica Kupper (1999), The Social Science Encyclopedia, London, Routledge, 2nd Ed